ارتباط بین شیوه‌های فرزنده‌پروری مادر و فرزنده‌پروری ادراک شده بنا کنتول و خوبدناره فرزندان

محمد پورعبالی ۱ - پروین کوهر Roosevelt ۲ - علیرضا هماوی‌پور ۳

چکیده
این پژوهش با هدف تبیین ارتباط بین شیوه‌های فرزنده‌پروری مادر (افتدار منطقی، استبدادی، آزاد گذاشته) و ادراک فرزنده از آن شیوه‌ها به مکان کنتول و خوبدناره فرزندان در شهر تهران، انجام شد. جامعه آماری این پژوهش را دانش آموزان پسر با پایه سوم راهنمایی شهر تهران در سال تحقیقی ۱۳۸۱ - ۱۳۸۲ و همچنین مادران آنها که دارای حداکثر تحصیلات ونجام ابتدایی و بالاتر بوده‌اند، تشکیل می‌دهد. تعداد ۳۸۸ نفر دانش آموز و مادران آن‌ها به صورت تصادفی جنده مرحله‌ای برحسب نمونه‌آماری انتخاب گردیدند. روش پژوهش از نوع همبستگی است. بررسی‌نامه اقدار والدین بورای (۳۰ سوال)، بررسی‌نامه سکه‌های فرزنده‌پروری ادراک شده مکلون و مسیر (۱۸ سوال)، مقایس مکان کنتول نووکسی و استریکلند (۳۰ سوال) و آزمون خوبدناره تنسی (۴۶ سوال) اجرای شد. نتایج نشان داد که بین شیوه‌های فرزنده‌پروری مادر و مکان

۱- کارشناس ارشد روان‌شناختی تربیتی و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد هشتودرود
۲- عضو هیأت علمی گروه روان‌شناختی تربیتی معلم تهران
۳- کارشناسی ارشد روان‌شناختی تربیتی و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گر
مقدمه
خانواده مهمترین نهاد اجتماعی در جوامع انسانی بوده و از نظر تكوین شخصیت و پرورش آن در فرزندان و ساکنگان فرد يا جامعه اثر وسیعی دارد. تأثیر خانواده بر رشد چنان بارز است که با وجود اختلافات موجود بین صاحب‌نظران روان‌شناسی، بسیاری از آن در زمینه اهمیت سیکتها فرزندپروری و تأثیر آن بر رشد، نظر مشترک دارند. اکثر روان‌شناسان صرف‌نظر از مکتبي که به آن معترضند. کنش‌های مشابه بین والدین و فرزندانشان را اساس رشد عاطفی متقابل نموده‌اند (پالسون، 1964؛ نقش از برومندسنپ، 1933؛ قانون و استنبرگ، 1967)؛ شیوه‌های فرزندپروری را این گونه تعريف نموده‌اند: شیوه‌های فرزندپروری مجموعه‌ای از کرایش‌ها، اعمال و جلوه‌های غیرکلامی است که ماهیت تعامل کودک و والدین را در تمامی موقعیت‌های گوگوش مشخص می‌کند و در سه حیطه افتدار متفاوت، استبادی و آزادگذار مطرح شده است. سیکتها فرزندپروری ابعاد رشد مختلفی را در فرزند تحت تأثیر قرار می‌دهد که بیکی از این عوامل و منجر به مکان کنترل است. مکان کنترل به معنی مسئولیت‌بازی فرد در مورد خود اشتهار می‌کند. هر که موقعیت‌های کنترل کودک بر این باور به‌نیادان منکی است که فرد، کنترل شخصی بسیاری بر خود و محیط خوشی اعمال می‌کند. مکان کنترل برپویی به این باور

1 – Bowlby & Freud
2 – Darling & Steinberg
3 – Glasgow, Dornbusch, Troyer and et al
4 – Locus of control
ارتباط بین شبیه‌های فروندپروری مادر و فرزندپروری ...

اشاره دارد که سروشی، بخش و سهی افراد کنترل هر فرد را به عهده دارد (بارون و
برن، ۱۹۹۷). اعتقاد به کنترل درونی اساسا در خانواده‌های آموزه‌های خود که در آن
والدین، صمیمی و حامی کودکان هستند. سعی در کنترل مستندانه بر آنها نداشته و
دارای تاثیب و تفاوتی هستند. از سوی دیگر، والدینی که کنترل‌های معکسندن، محدودکندن و
همراه با اتفاق و خصوصا را به فرزندشان اعمال نمایند، فرزندان آنها دارای میکان
کنترل برونت می‌شوند (فرهان، ۱۳۷۸). در همین رابطه نتایج تحقیقات مورتون و مان(۱۹۹۸)
(۱۹۹۸)، تاریس و بورگ (۱۹۹۷)، جانسنر (۱۹۹۴) (۱۹۹۴)، دویلسن (۲۰۰۲)، رومانو (۲۰۰۰)،
ماسیگلی (۲۰۰۲)، مهرافزوز (۱۳۷۸)، برومندنسب (۱۳۷۸)، نشان می‌دهد والدینی که
انظار خود را بر خودشان بخشی از فرزند خود باشنده و نماینتگری کودکان را پاداش
دهند، از نظر سطح باگیگو بودن (گرمی، پذیرش و تعهد) و درخواست کننگی (کنترل و
نگاره) در سطح بالایی باشد و به شیوه اقتدار منطقی با فرزندان خود رفتار نمایند،
فرزندشان دارای کنترل درونی می‌شوند، ولی جانشینی و والدین رفتاری معکسندن،
محدودکندن و فصدکندن همراه با اتفاق و خصوصا را به فرزندشان اعمال نمایند و از
نظر باگیگو بودن و درخواست کننگی در سطح بالایی و به شیوه اقتداری و آزادگذار
بایک فرزند خود رفتار نمایند. فرزند آنها دارای میکان کنترل برونت می‌شوند. از سوی
دیگر، در سالهای اخیر روانشناسی به مسائلی که مربوط به تشکیل اختلاله است و
به کسانی که مسئول پرورش کودک در اولین زندگی‌های کودک، اهمیت زیادی داده‌اند. در
این میان، تجربی اجتماعی درجه اول اهمیت را دارند، و این تجربیات اجتماعی تا انداره
زیادی منحصر به روابط خانوادگی است. اعضای خانواده، در نظر کودک معمولاً
مهمن‌ترین افراد هستند و براساس رابطه با این افراد مهم که برجسته‌ترین آنها مادر است،
کودک به‌شکل خودشان و اتیستور را استوار می‌سازد (شامل، ۱۳۷۴). خودشان، سازماندهی
کلی ادراکات فرد نسبت به خود است که جند و جهی، سلسله مراتب و نسبت ثابت است
(دمبو، ۱۹۹۴). به طور کلی خانواده و سیستم‌های فرزندپروری والدین به عنوان یک منبع
مهم و اساسی بر رشد خودشان کودک در نظر گرفته می‌شود. خانواده مکانی است که

1 - Baron & Byrne
2 - Morton & Mann
3 - Taris & Bok
4 - Janssens
5 - Dobbines
6 - Romano
7 - Masiglia
8 - Dembo
نخستین احساس از خود از طریق تعلل کشته و زنده، هماهنگ و صمیمانی با والدین و دیگر عضویان خانواده شکل می‌گیرد. از این رو، استقلال به نقش‌های والدین در رشد و خودشناسی کودک اهمیت فراوانی داده می‌شود (گیسک و شوالب، 1967). در زمینه رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و خودشناسی، مطالعات تجربی متعددی اهمیت داشته‌اند و گرم بودن و پذیرش والدین برای بی‌توجهی چاپ نخستین موضوع کودک توصیف کرده‌اند. والدین به بهره‌وری خود و حمایت عاطفی خود را برای فرزندان خود فراهم می‌کنند. کودکان آنها احساس می‌کنند که خودشناسی آنها را تغییر می‌بیند (دکوکی و مویز، 2002؛ لامبورن، مونتس، استینبرگ و همکاران، 1991؛ هرز، 1999). همچنین نتایج تحقیقات کسب‌شده، دانلوب و لی (2005)، هارترین و کارسیا (2008)، برون‌سکی و اسپیرس (2008) و ادن و رودریگز (2008) حمایت بیشتری را در مورد این دیدگاه می‌کنند که است. این محکمات نشان داده‌اند بیشتری حمایت و آگاهانه‌ای به خودشناسی بالا در جوانان و نوجوانان همراه است. سبک والدین بین اکتشاف، مشارکت و علائم به کودک خودشناسی کودک را تقویت می‌کند (گیسک و شوالب، 1967؛ برنت، 1992؛ دانلوب، بروئز و برکیمگ، 2001). هرز، 1999؛ دکوکی و مویز، 2002؛ جنری، 174، خادمان، 137). با توجه به پیشنهاد تحقیق و بررسی موضوعات مطرح در پژوهش‌های پیشین در ارتباط با شیوه‌های فرزندپروری با مکانی کنترل و خودشناسی، بیشتر مطالعات در سنجش شیوه‌های فرزندپروری، نگرش‌های بازورت انجام داده‌اند. در حالی که باید بین نگرش به شیوه‌های فرزندپروری و عمل فرزندپروری تفاوت قابل شک در همین رابطه به نظر می‌رسد. فرزندپروری آن چه‌ی است که مادربان در حال انجام دانم آن با فرزندان خود‌شناسند. اما نگرش فرزندپروری اعتقاد مادر به این است که چگونه با یک فرزند خود را بپروری دهد، اینکه هر چند که بین نگرش و عمل رابطه نسبی وجود

1 – Gecas & Schwalb
2 – Dekovic & Meeus
3 – Lamborn, Mounts, Steinberg and et al
4 – Herz
5 – Kisseinger, Daniel and Lee
6 – Martinez and Garcia
7 – Berzonsky and Smits
8 – Eden and Rodriguez
9 – Berndt
10 – Dunlop, Burns & Bermingham
ارتباط بین شیوه‌های فرزندپروری مادر و فرزندپروری ...
دانش و پژوهش در روانشناسی

فرزندپروری (و پدیده‌هایی مرتبط ان) بر آن و یک قدم مهم در شناسایی ارتباط بین سازگاری و مشارکت سازگار این سازگاری با دست
میدهد و ما را به باشی این سازگار طراحی می‌سازد که آیا نگرش مادر بهتر و صحیحتر نشان شود. این نگرش برای سازگاری مکان کنترل و خودبدناره نیمی‌می‌باشد با ادراک فرزند؟ همچنین یافته‌های این نگرش این واقعیت را بهتر و اساسی‌تر نشان دهند و حمایت خواهد کرد که آیا شیوه فرزندپروری اقتدا منطقی با مکان کنترل درونی و خودبدناره بالا و شیوه استبدادی و آزادگی با خودبدناره پایین و ضعیف و مکان کنترل برونی ارتباط دارد. با توجه به هدف‌های مطرح شده فرضی‌های

پژوهش عبارات‌اند:

1- بین نگرش به شیوه‌های فرزندپروری (اقتدا منطقی، استبدادی، آزادگی) مادر با مکان کنترل فرزند رابطه و جویان دارد.

2- بین نگرش به شیوه‌های فرزندپروری (اقتدا منطقی، استبدادی، آزادگی) مادر با خودبدناره فرزند رابطه و جویان دارد.

3- بین نگرش به شیوه‌های فرزندپروری (اقتدا منطقی، استبدادی، آزادگی) مادر با سطح نیکالی و آدانا میادین ادراک فرزند فاقد متغیرهای و جویان دارد.

4- بین مکان کنترل سطح نیکالی و آدانا میادین ادراک فرزند فاقد متغیرهای و جویان دارد.

5- بین خودبدناره مادر سطح نیکالی و آدانا میادین ادراک فرزند فاقد متغیرهای و جویان دارد.

روش

از آنجایی که ماهیت موضوع در پژوهش فلسفی برجسته و ارتباط است و متغیرهای نگرش
مادر نسبت به شیوه‌های فرزندپروری و ادراک فرزند نویجوان از آن شیوه‌ها با مکان
کنترل و خودبدناره فرزند است از روش همبستگی استفاده شد.

جمع‌آوری آماری این پژوهش شامل دو گروه بود: گروه اول دانش‌آموزان پسر با پایه
سوم راهنمای شهر تهران در سال تحصیلی 81-80 80 که مادران آنها دارای حداقل
تحصیلات پنجم ابتدایی و بالاتر بودهند و تعداد آنها 796488 و گروه دوم شامل
مادران این دانش‌آموزان است.
نمونه آماری مورد نیاز برای انجام پژوهش، با توجه به روش‌های مربوط به محاسبه نمونه‌‌برداری، 382 نفر در نظر گرفته شد. این در نظر گرفته شد که این چند افراد جامعه به توجه به سلسله‌مراتبی از اتباع از خانواده‌ها و گروه‌های جامعه انتخاب می‌شود (سرم، پروکورک و حجازی، 1378). نمونه‌گیری با این طریق صورت گرفت که ابتدا به صورت تصادفی 5 منطقه آموزشی از مناطق توزیعگان شهر تهران، بعنوان مناطق 1، 3، 6، 9 و 11 ترتیب واقع در شمال، جنوب، شرق و مرکز شهر تهران، نمونه‌گیری در این مناطق توسط صورت تصادفی 45 نفر از دانش آموزان انتخاب شدند. در مجموع 288 نفر از دانش آموزان و مادران آنها انتخاب شدند که بعنوان آزمون‌های خواص امکانی و ارزش‌های سنجشی دچار آزمون‌ها به سوالات آزمون‌ها در مدت ۱ ساعت ۳۰ دقیقه تحت حضور دانش‌پژوهان و مادران انتخاب شدند. در اینجا نمونه‌گیری به صورت تصادفی انجام شد و 120 نفر مادر که به صورت تصادفی انتخاب شدند، با نمونه‌گیری از فرمول کارائی استفاده شد (رای گمرکی) (رای گمرکی دوم برای محاسبه تعداد نمونه، نخست نمونه‌گیری از فرمول کارائی استفاده شد. رابطه 1 تعداد نمونه‌برداری Tرا برای زیمت Zکه طبقه‌بندی می‌شود ۱۲۰ مادر باشد:

\[ N = \frac{t^2pq}{d^2} = \frac{(1.96)^2(0.5)(0.5)}{0.0025} = 382 \]

\[ = \frac{1}{1 + \frac{1}{n} \left( \frac{t^2pq}{d^2} \right) - 1} \]

\[ \frac{1}{78694} \left( \frac{(1.96)^2(0.5)(0.5)}{(0.5)^2} \right) \]

\[ \text{رای گمرکی دوم برای محاسبه تعداد نمونه‌برداری Tرا برای زیمت Zکه طبقه‌بندی می‌شود ۱۲۰ مادر باشد.} \]

1 – Multi-stage Sampling
ابزار پژوهش
در این پژوهش از چهار ابزار به این شرح استفاده شد:
1- پرسشنامه انتقاد والدین. نشریه آمار و پرورش در روانشناسی ۳۱ (۱)، تیر ۱۳۸۵، صفحه ۳۱-۳۹
2- Buri
3- Hall and Braken
4- Perceived Parenting Style Questionnaire

1- Parental Authority Questionnaire
2- Buri
3- Hall and Braken
4- Perceived Parenting Style Questionnaire
مقیاس اندازه‌گیری در این آزمون، مقياس اسمی است. برای انتخاب بسته‌ها از میدان‌های مختلف در ۱۵ نفر از صاحب‌نظران روان‌شناسی قرار گرفت که آنها در تمامی سوال‌ها بخش از ۷۰٪ نظرات کاملی موافق و موافق داشتند. همچنین، طبق نظرخواهی پژوهشگران از بازی‌کنندگان در مکلنبورگ و براندنبورگ، این پرسشنامه در زمینه سیکهای فرندپوری، از رویای صوری خوبی برخوردار است. نتایج سنجش پایایی این پرسشنامه به کوشش مکلنبورگ و مرل (۱۹۹۹)، به روش پایاژومی نشان داد که ۱۰۰ درصد دانش‌آموزان، بخش‌های مختلفی را در شکل بسته‌بندی سنجش این آزمون علائم دادند. در این پژوهش برای محاسبه پایایی از روش پایاژومی استفاده شد که نتایج تحلیل پایایی نشان داد، ۹۰ درصد آزمون‌نامه بخش پایایی را در دو فاصله زمانی، علائم دادند.

۳- مقياس مكان كنترل نوويكي - استريكلاند*: این مقياس را نوويكي و استريكلاند (۱۹۷۳) براساس تعريف راتر از كنترل دروني و برومندنس تقويت ساخته‌اند. اين مقياس شامل ۴۰ سؤال بوده و برای سنجش مكان كنترل كه كودكان (برای در ۱۸ سال مناسب است. نوويكي و استريكلاند (۱۹۷۳) برای سنجش روایی سازه در ذو مطالعه به همبستگی‌های معنادار (۱/۷، ۱/۳ و ۱/۷) این آزمون و مقياس مكان كنترل را تا دست یافته‌اند. این مقياس را برودنیست، شکرکن و نجایران (نقل از برودنیست، ۱۳۷۳) به فارسی برگردانده‌اند. برودنیست و همکاران (۱۳۷۳) مقیاس مكان كنترل نوويكي - استريكلاند را با مقیاس مكان كنترل راتر مقایسه کرده و با استفاده از روش سنجش سازه، ضرب همبستگی ۹۴٪ را گزارش نموده‌اند. در این پژوهش با استفاده از محاسبه پایایی به روش دو نیمه کردن ضرایب پایایی ۴/۵ و به روش آلفای کرونباخ ۰/۵ به دست آمده.

۴- آزمون خودیداده نسی**: این آزمون شامل ۴۴ جمله اظهاری است و باشکه‌ای آن از ۱ تا ۵ نمره‌گذاری می‌شود. نتایج نهایی دامنه‌ای از حداقل ۸۵ تا ۴۴ امتیاز را شامل می‌شود. نوپیس و هاینس (۱۹۸۹)، نقل از چناری (۱۳۷۴) این آزمون را واجد روایی صوری لاژ دانسته‌اند و ضریب پایایی را به روش آلفای کرونباخ ۹۲ ذکر کرده‌اند.

1. The Nowicki-Strickland Locus of Control
2. Rotter
3. Norris and Hynes
روش اجرای

ابتدا با مراجعه به مدارس، فهرست اسامی کلیه دانش‌آموزان پایه سوم راهنمایی مدرسه به منظور انتخاب نمونه دریافت شد و سپس به منظور مشخص کردن پرسشنامه مدارس و فرزندان، هر ۴ پرسشنامه با توجه به مشخصات قید شده پرسشنامه‌ها، یا یک عدد واحد شماره‌گذاری شد. در مرحله اول پس از انتخاب نمونه تحقیق، ابتدا مادر دانش‌آموز برای پاسخگویی به پرسشنامه شوهویه‌ای فرزندپروری به مدارس دعوت شدند. پس از حضور مادران، راهنمایی‌های لازم در مورد نحوه پاسخدهی به پرسشنامه ارائه شد. لازم به ذکر است که در موارد محدودی که مادران به مراجعه مراجعه نکرده، پرسشنامه به منزل آنها فرستاده شد. در مرحله دوم، ۳ پرسشنامه به ترتیب در اختیار دانش‌آموزانی که مادران آنها براهن انتخاب شرکت در مرحله اول دعوت شده بودند قرار گرفت تا به ترتیب شماره پرسشنامه‌ها به آنها پاسخ دهند. به‌طور کلی دریافت نتایج دادن به پرسشنامه‌ها توسط داده شد که این پرسشنامه‌ها پاسخ صحیح غلط ندارند و ابتکار هیچ گزینه‌ای را بدون پاسخ نگذارند و دریافت تمام گزینه‌ها نظر خود را دقیقاً مشخص نمایند و عنوان شد که در تکمیل پرسشنامه‌ها، هیچ کهنه محدودیتی از لحاظ زمانی وجود ندارد.

روش‌های تحلیل داده‌ها

تحلیل داده‌های این پژوهش به کمک نرم‌افزار SPSS انجام گرفته است. به منظور توصیف داده‌ها از روش آمار توصیفی (از قبیل میانگین، فراوانی و انحراف معیار)، و به منظور آزمون فرض‌های پژوهش به فراورده هر فرضیه از روش آماری خاص استفاده کردیم. برای بررسی فرضیه‌های پژوهش از آزمونهای تحلیل واریانس یکطرفه و آزمون تبعیض شفه، برای محاسبه معنادار بودن تفاوت بین میانگین‌های سکه‌ها فرزندپروری ادراک شده با مکان کنترل و خودبدراره و برای بررسی رابطه بین متغیرهای سکه‌های فرزندپروری، مادر با مکان کنترل و خودبدراره از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد.
نتایج
در جدول ۱ شاخص‌های توصیفی مربوط به نگرش نسبت به شیوه‌های فرزندپوری مادر، مکان کنترل و خودپندازه فرزند آورده شده است.

جدول ۱- شاخص‌های توصیفی (میانگین، انحراف معیار و تعداد آزموشی‌ها) در متغیرهای پژوهش

<table>
<thead>
<tr>
<th>متغیر</th>
<th>میانگین</th>
<th>انحراف معیار</th>
<th>تعداد (n)</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>نگرش به شیوه‌های فرزندپوری</td>
<td>۲/۷۸۸</td>
<td>۰/۷۸</td>
<td>۳۸۸</td>
</tr>
<tr>
<td>فرزندپوری مادر</td>
<td>۵/۷۱</td>
<td>۱/۷۱</td>
<td>۳۸۸</td>
</tr>
<tr>
<td>اثبات‌گذاری</td>
<td>۴/۷۱</td>
<td>۱/۷۱</td>
<td>۳۸۸</td>
</tr>
<tr>
<td>مکان کنترل فرزند</td>
<td>۴/۱۵</td>
<td>۱/۷۱</td>
<td>۳۸۸</td>
</tr>
<tr>
<td>خودپندازه فرزند</td>
<td>۳/۸۵</td>
<td>۳/۸۵</td>
<td>۳۸۸</td>
</tr>
</tbody>
</table>

از نظر فراوانی در سطوح سه‌گانه مربوط به ادراک فرزند از شیوه‌های فرزندپوری نتایج نشان داد که ۷۰ درصد شیوه‌های فرزندپوری مادر را دارای سبک اثبات‌گذاری، ۱۶ درصد دارای سبک اثبات‌گذاری و ۱۴ درصد دارای سبک آزادرگذار ادراک کردند.

جدول ۲- نتایج همبستگی بین نگرش به شیوه‌های فرزندپوری (اقتصاد منطقی، استفاده‌ای، آزادرگذاری) مادر با مکان کنترل و خودپندازه فرزند

<table>
<thead>
<tr>
<th>متغیر</th>
<th>تعداد (n)</th>
<th>نگرش شیوه اقتصاد منطقی</th>
<th>نگرش شیوه استفاده‌ای</th>
<th>نگرش شیوه آزادرگذاری</th>
<th>نگرش شیوه مادر</th>
<th>مکان کنترل فرزند</th>
<th>خودپندازه فرزند</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>نگرش شیوه اقتصاد منطقی</td>
<td>۴۸۸</td>
<td>۷۰۰/۱۴۸</td>
<td>۹۰۰/۱۴۸</td>
<td>۳۸۸</td>
<td>۳۸۸</td>
<td>۳۸۸</td>
<td>۳۸۸</td>
</tr>
<tr>
<td>نگرش شیوه استفاده‌ای</td>
<td>۹۰۰/۱۴۸</td>
<td>۷۰۰/۱۴۸</td>
<td>۷۰۰/۱۴۸</td>
<td>۳۸۸</td>
<td>۳۸۸</td>
<td>۳۸۸</td>
<td>۳۸۸</td>
</tr>
<tr>
<td>نگرش شیوه آزادرگذاری</td>
<td>۳۸۸</td>
<td>۷۰۰/۱۴۸</td>
<td>۹۰۰/۱۴۸</td>
<td>۳۸۸</td>
<td>۳۸۸</td>
<td>۳۸۸</td>
<td>۳۸۸</td>
</tr>
</tbody>
</table>

\[ P = 0/019 \]
بررسی جدول ۲ بین نگرش به شیوه‌های فرزندپروری مادر (افتدار منطقی، استبدادی، آزادگذاری) با مکان کنترل و خودپرداز فرزند از نظر آماری رابطه معناداری (P<0.05) وجود ندارد. بنابراین فرضیه ۱ و ۲ تایید نمی‌شود.

جدول۳-نتایج تحلیل واریانس نگرش فرزند به شیوه‌های فرزندپروری (افتدار منطقی، استبدادی، آزادگذاری) مادر

<table>
<thead>
<tr>
<th></th>
<th>سطح F</th>
<th>معنی تغییرات</th>
<th>درجه میانگین</th>
<th>مجموع مسئولیت</th>
<th>آزادی مسئولیت</th>
<th>منابع</th>
<th>مجموع معناداری</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>افتادار منطقی</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>بین گروه‌ها</td>
<td>21/29</td>
<td>29/64</td>
<td>0/0</td>
<td>0/0</td>
<td>0/0</td>
<td>0/0</td>
<td>0/0</td>
</tr>
<tr>
<td>درون گروه‌ها</td>
<td>0/0</td>
<td>0/0</td>
<td>0/0</td>
<td>0/0</td>
<td>0/0</td>
<td>0/0</td>
<td>0/0</td>
</tr>
<tr>
<td>کل</td>
<td>1/30</td>
<td>3/67</td>
<td>0/0</td>
<td>0/0</td>
<td>0/0</td>
<td>0/0</td>
<td>0/0</td>
</tr>
<tr>
<td>استبدادی</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>بین گروه‌ها</td>
<td>19/40</td>
<td>23/85</td>
<td>0/0</td>
<td>0/0</td>
<td>0/0</td>
<td>0/0</td>
<td>0/0</td>
</tr>
<tr>
<td>درون گروه‌ها</td>
<td>0/0</td>
<td>0/0</td>
<td>0/0</td>
<td>0/0</td>
<td>0/0</td>
<td>0/0</td>
<td>0/0</td>
</tr>
<tr>
<td>کل</td>
<td>0/0</td>
<td>0/0</td>
<td>0/0</td>
<td>0/0</td>
<td>0/0</td>
<td>0/0</td>
<td>0/0</td>
</tr>
<tr>
<td>آزادگذار</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>بین گروه‌ها</td>
<td>12/49</td>
<td>14/20</td>
<td>0/0</td>
<td>0/0</td>
<td>0/0</td>
<td>0/0</td>
<td>0/0</td>
</tr>
<tr>
<td>درون گروه‌ها</td>
<td>0/0</td>
<td>0/0</td>
<td>0/0</td>
<td>0/0</td>
<td>0/0</td>
<td>0/0</td>
<td>0/0</td>
</tr>
<tr>
<td>کل</td>
<td>0/0</td>
<td>0/0</td>
<td>0/0</td>
<td>0/0</td>
<td>0/0</td>
<td>0/0</td>
<td>0/0</td>
</tr>
</tbody>
</table>

همانطور که در جدول ۳ ملاحظه می‌شود در سطح F بین نگرش به شیوه‌های فرزندپروری مادر (افتدار منطقی، استبدادی، آزادگذاری) با ادراک فرزند از آن شیوه‌ها از نظر آماری تفاوت معناداری (P<0.05) وجود ندارد. بنابراین فرضیه سوم مبنی بر اینکه بین نگرش به شیوه‌های فرزندپروری مادر (افتدار منطقی، استبدادی، آزادگذاری) با ادراک فرزند از آن شیوه‌ها تفاوت وجود دارد، تایید نمی‌گردد.
جدول ۴-نتایج تحلیل واریانس یکطرفه برای بررسی تفاوت میان کنترل فرندان در سطح سپاهی‌های فرندپوری ادراک شده

| منبع تغییرات | سطح F | مجموعه معناداری | درجه آزادی | معنوداری آزادی | مجذورات
<table>
<thead>
<tr>
<th></th>
<th></th>
<th></th>
<th></th>
<th></th>
<th></th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>بین گروه‌ها</td>
<td>285/14</td>
<td>۰/۰۰۵</td>
<td>۲</td>
<td>۱۳۷/۰/۲۸</td>
<td>۲۸۸/۰۸۶</td>
</tr>
<tr>
<td>درون گروه‌ها</td>
<td>۵/۳۰/۹۶</td>
<td>۰/۰۰۵</td>
<td>۵</td>
<td>۵/۳۵/۰۸۸</td>
<td>۳۸۷/۰۰۲</td>
</tr>
<tr>
<td>کل</td>
<td>۲۸۷/۰۰۲</td>
<td>۰/۰۰۵</td>
<td>۷</td>
<td>۲۸۷/۰۰۲</td>
<td>۳۸۷/۰۰۲</td>
</tr>
</tbody>
</table>

چنانکه در جدول ۴ ملاحظه می‌شود، بین سه گروه مکان کنترل سطوح سپاهی سهکی‌های فرندپوری (افتادار منطقی، استبادی، آزادگذاری) فرند تفاوت معناداری وجود دارد. (F=۲/۸۸۵۵، P<۰/۰۰۵). بنابراین فرضیه مطابق که این قبلاً فرضیه اندکی می‌شود برای تحلیل و مقایسه دو به دو میانگین‌ها در این فرضیه از آزمون معنی‌پذیر شده استفاده شد. 

چنانکه در جدول ۵ ملاحظه می‌شود، بین سه میانگین‌ها مکان کنترل فرندان در سطوح سپاهی سهکی‌های فرندپوری ادراک شده فرند

<table>
<thead>
<tr>
<th>سطح سپاهی سهکی‌های فرندپوری</th>
<th>ادراک شده فرند</th>
<th>ادراک شده استبادی</th>
<th>ادراک شده آزادگذاری</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>۴/۹۶۷۱۱۳</td>
<td>۳/۱۵۶۶۰۰</td>
<td>۰/۸۶۰۰۴</td>
<td>۱/۸۶۰۰۴</td>
</tr>
</tbody>
</table>

نتایج حاصل از اجرای آزمون شبه در جدول ۵ نشان می‌دهد که تفاوت‌های به‌دست آمده از میانگین‌های سطوح ادراک منطقی با آزادگذاری (۰/۰۰۵) و ادراک منطقی با استبادی (۰/۰۰۵) و سطح استبادی با آزادگذاری (۰/۰۰۵) و سطح استبادی با آزادگذاری (۰/۰۰۵) از نظر آماری معنادار است.
جدول ۶-نتایج تحلیل واریانس پک‌تکه برای بررسی تفاوت سطوح خودپندازه فرندان در سطح سطح سپک‌های

<table>
<thead>
<tr>
<th>منبع تغییرات</th>
<th>سطح</th>
<th>مجموع میانگین</th>
<th>درجه آزادی</th>
<th>مجموع میانگین</th>
<th>مجموع میانگین</th>
<th>مجموع میانگین</th>
<th>مجموع میانگین</th>
<th>مجموع میانگین</th>
<th>مجموع میانگین</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>بین گروه‌ها</td>
<td>49/0/17</td>
<td>2</td>
<td>21</td>
<td>39/0/24</td>
<td>39/0/24</td>
<td>39/0/24</td>
<td>39/0/24</td>
<td>39/0/24</td>
<td>39/0/24</td>
</tr>
<tr>
<td>کل</td>
<td>387</td>
<td></td>
<td></td>
<td>387</td>
<td>387</td>
<td>387</td>
<td>387</td>
<td>387</td>
<td>387</td>
</tr>
</tbody>
</table>

براساس جدول ۶ بین میانگین‌های خودپندازه فرندان در سطح سطح سپک‌های فرندپروری (افتدار منطقی، استبدادی) فرند تفاوت معنادار وجود دارد (F=۲/۰۴/۲/۰۰/۰.۰۵). بنابراین فرضیه نهایی تأیید می‌شود.

جدول ۷-نتایج آزمون تعيدی شبه بین میانگین‌های خودپندازه فرندان در سطح سطح سپک‌های سپک‌های فرندپروری ادراک شده فرند

<table>
<thead>
<tr>
<th>سطح سپک‌های فرندپروری</th>
<th>استبدادی</th>
<th>ادراک شده فرند</th>
<th>ادراک شده فرند</th>
<th>ادراک شده فرند</th>
<th>ادراک شده فرند</th>
<th>ادراک شده فرند</th>
<th>ادراک شده فرند</th>
<th>ادراک شده فرند</th>
<th>ادراک شده فرند</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>ادراک شده فرند</td>
<td>29/0/8/8</td>
<td>29/0/8/8</td>
<td>29/0/8/8</td>
<td>29/0/8/8</td>
<td>29/0/8/8</td>
<td>29/0/8/8</td>
<td>29/0/8/8</td>
<td>29/0/8/8</td>
<td>29/0/8/8</td>
</tr>
</tbody>
</table>

نتایج حاصل از اجرای آزمون شبه در جدول ۷ نشان می‌دهد که تفاوت‌های به‌دست آمده از میانگین‌های خودپندازه فرندان در سطح سطح ادراک منطقی با استبدادی (P=۲/۰۰/۰/۰۰/۰.۰۵) و استبدادی با ادراک شده فرند (P=۲/۰۰/۰/۰۰/۰.۰۵) معنادار است.
بحث و نتیجه‌گیری

در ارتباط با فرضیه اول و دوم ضرایب همبستگی به‌دست آمده برای هر یک از سطوح مختلف نگرش به شیوه‌های فرزندپروری مادر (افتاده منطقی، ابتدایی، آزادگانه) با مکان کنترل و خودیندادر، معتقدات مندی. در مورد نگرش به سبک‌های فرزندپروری مادر با مکان کنترل و خودیندادر مطالعات مددیدی انجام گرفته که این مطالعات با محدودیت‌های روش‌شناسی در تعیین و اندازه‌گیری رفتارها و ویژگی‌های والدین همراه بوده است (کرامر، 1989). در مجموع این تحقیقات بیان می‌کند که رفتارهای والدین و مکان کنترل و خودیندادر با هم مرتبط هستند. همان‌گونه که گفته شد، در بررسی این فرضیه، رابطه معناداری بین نگرش به سبک‌های فرزندپروری مادر با مکان کنترل و خودیندادر فرزند مشاهده شد. این یافته با نتایج تحقیقات جانسون (1994)، رومانو (2000)، ماسیگلی (2002)، مارتینز و گارسیا (2008)، بیشور و ادن و رودبینز (2008)، کسینجر، دانیل و لو (2007)، نامه‌های است. این نتیجه‌گیری شده است که این اثبات که نگرش مادر نسبت به سبک‌های فرزندپروری مورد سنجش قرار گرفت به‌عنوان ایکته ابزار معرفی شده بود. نتایج نشان دهنده این نتایج نگرش و رفتار والدین تا حدی قابل شور و در کل منجر به کاهش اثرات به شیوه‌های فرزندپروری می‌سنجد. این نتایج فکری به این نتیجه‌گیری که می‌توان برای پاسخ مطرح کرد، این است که ابزار به کار رفته در این تحقیق فقط در این مورد اثر داشته و در ایکه نگرش و رفتار به بهترین‌ترین مدل فرد و متولد نکنی به ایکه نگرش به بهترین‌ترین مدل فرد و متولد نکنی به ایکه نگرش به بهترین‌ترین مدل فرد و متولد نکنی به ایکه نگرش به بهترین‌ترین مدل فرد و متولد نکنی به ایکه نگرش به بهترین‌ترین مدل فرد و متولد نکنی به ایکه نگرش به بهترین‌ترین مدل فرد و متولد نکنی به ایکه نگرش به بهترین‌ترین مدل فرد و متولد نکنی به ایکه نگرش به بهترین‌ترین مدل فرد و متولد نکنی به ایکه نگرش به بهترین‌ترین مدل فرد و متولد نکنی به ایکه نگرش به بهترین‌ترین مدل فرد و متولد نکنی به ایکه نگرش به بهترین‌ترین مدل فرد و متولد نکنی به ایکه نگرش به بهترین‌ترین مدل فرد و متولد نکنی به ایکه نگرش به بهترین‌ترین مدل فرد و متولد نکنی به ایکه نگرش به بهترین‌ترین مدل فرد و متولد نکنی به ایکه نگرش به بهترین‌ترین مدل فرد و متولد نکنی به ایکه نگرش به بهترین‌ترین مدل فرد و متولد نکنی به ایکه نگرش به بهترین‌ترین مدل فرد و متولد نکنی به ایکه نگرش به بهترین‌ترین مدل فرد و متولد نکنی به ایکه نگرش به بهترین‌ترین مدل فرد و متولد نکنی به ایکه نگرش به بهترین‌ترین مدل فرد و متولد نکنی به ایکه نگرش به بهترین‌ترین مدل فرد و متولد نکنی به ایکه نگرش به بهترین‌ترین مدل فرد و متولد نکنی به ایکه نگرش به بهترین‌ترین مدل فرد و متولد نکنی به ایکه نگرش به بهترین‌ترین مدل فرد و متولد نکنی به ایکه نگرش به بهترین‌ترین مدل فرد و متولد نکنی به ایکه نگرش به بهترین‌ترین مدل فرد و متولد نکنی به ایکه نگرش به بهترین‌ترین مدل فرد و متولد نکنی به ایکه نگرش به بهترین‌ترین مدل فرد و متولد نکنی به ایکه نگرش به بهترین‌ترین مدل فرد و متولد نکنی به ایکه نگرش به بهترین‌ترین مدل فرد و متولد نکنی به ایکه نگر
فرزندی‌های مربوط به فرضیه سوم پژوهش نشان داد که تفاوت میانگین‌ها در هیچ یک از سطوح می‌گذارد. از نظر آماری معناداری نیست. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که فرزند روند طبیعی خود را تا زمان مصرف روانه و تقطع در این زمینه، در این پژوهش، ادراک فرزند نیز از سه‌گانه فرزندپرور مادر، مورد بررسی و تفحیص قرار گرفته است.

یافته‌های مربوط به فرضیه سوم پژوهش نشان داد که تفاوت میانگین‌ها در هیچ یک از سطوح می‌گذارد. از نظر آماری معناداری نیست. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که فرزند روند طبیعی خود را تا زمان مصرف روانه و تقطع در این زمینه، در این پژوهش، ادراک فرزند نیز از سه‌گانه فرزندپرور مادر، مورد بررسی و تفحیص قرار گرفته است.

در بررسی و جستجو در رابطه با فرضیه سوم، فقط یک مورد تحقیق که به بررسی رابطه بین فرزند فرزندپرور و ادراک فرزند از آن شیوه‌ها پرداخته است، به دست آمد. گیلان و شوالیه (۱۹۸۲) در تحقیقی به بررسی ارتباط بین رفتار والدین و ادراک فرزندان از رفتار والدین پرداختند. نتایج این بررسی نشان داد که بین گزارش‌های والدین از رفتارشان در اندلودگی کنترل / خودمختاری، حمایت، مشاوره و ادراک فرزندنشانان از این رفتارها تنش خسته‌کننده بود.
تفاوت نداشتند بین نگرش به شیوه‌های فرزندپروری مادر و فرزندپروری از آن
شیوه‌ها. شاید بانگ‌ر این واقعیت باشد که نگرش‌ها با یک‌دیگر مادران از اهمیت کمتری
نسبت به شیوه‌های عملی فرزندپروری آنها و نیز ادراک فرزند آنها از آن شیوه‌ها
برخوردار است. در این زمینه به یک‌دیگر کریمی (۱۳۷۸) عمل فرزندپروری آن چیزی
بود که مادران در حال انجام دادن آن با فرزندان خود هستند. اما نگرش فرزندپروری
اعتقاد مادر به این است که چگونه باید فرزند خود را بپرورش دهد و اینکه هر چند که
بین نگرش و عمل رابطه نسبی وجود دارد، اما این رابطه به هیچ‌وجه کامل نیست.

در رابطه با فرضیه چهارم یعنی بررسی تفاوت بین مکان کنترل فرزندان در بین
سطوح سه‌گانه سیکل‌های فرزندپروری ادراک شده توسط فرزندان که تفاوت معنی‌نداز
بوده است، نتایج به نوعی با یافته‌های مکلون و مرول (۱۹۹۷)، تاوورن و مان
(۱۹۸۸)، کریمی (۱۳۸۹)، دوبینسکی (۱۳۸۷) هماهنگ است. تیبینی
که می‌توان در مورد این یافته ارائه داد، این است که اگرچه اطلاعات حاصل از
در مورد سیکل‌های فرزندپروری نمی‌تواند زیادی نقش داشته باشد، اما اطلاعات حاصل از
کودکان در مورد سیکل‌های فرزندپروری والدین، در مقایسه با گزارش‌های والدین از
رفتار والدین، به‌بینی بهتری و دقیق‌تری در مورد مکان کنترل فرزندان به‌دست می‌آید
(کریمی، ۱۳۸۹). دلیل دیگری که می‌توان در این مورد ارائه داد، این است که مطالب با
سیگنال فرزندپروری بیشترین شده و بالینی که از درجه بازی از گرم بودن و
پاسخ‌گو بدن بروخوردارند و کنترل معقول را بر فرزندنشان اعمال می‌کنند (والدین
افتاده ملی‌تر). موجب رشد مکان کنترل درونی در کودکان‌شناسی می‌شود و در مقابل
والدینی که کنترل بالایی بر کودکانشان اعمال می‌کنند و از درجه بازی از گرم بودن و
پاسخ‌گو بدن بروخوردارند (والدین مثبت) موجب رشد مکان کنترل پیرامون در کودک
می‌شود. در رابطه با فرضیه چهارم، یعنی بررسی تفاوت بین خویش‌داری فرزندان در بین
سطوح سه‌گانه سیکل‌های فرزندپروری ادراک شده توسط فرزندان که تفاوت معنی‌نداز
بوده است، نتیجه بروز از نتایج تحقیقات مکلون و مرول (۱۹۹۷)، لامپر و
همکاران (۱۹۹۳)، داتونبک و میورز (۲۰۰۱)، دانلوب و همکاران (۲۰۰۲) بازی و
مکلونسکی (۱۹۹۰)، چنگایی (۱۳۷۴)، خادم‌زاده (۱۳۷۳) هم‌خوانی دارد. نتایج تحقیقات
پیشنهادها

۱- همان‌گونه که در نتایج این پژوهش مشاهده شد، بین ادراک فرزند از شیوه‌های فرزندپروری مادر با نگرش مادران نسبت به سبک‌های فرزندپروری تفاوت قابل ملاحظه‌ای وجود دارد که این پاشنه‌ها می‌تواند در این موضوع آگاه سازد که بیش از نگرش‌ها و باورهای آنها نسبت به شیوه‌های فرزندپروری، نوآمکت ارتباط آنان با فرزند و به‌ویژه آنچه در عمل نسبت به فرزندان خود ابراز می‌دارند، مهم است تا مسئله تغییر باشد. این امر با وابستگی و احساس نگاه و پاسخ‌های فرزندپروری اصلاح شود و به اهمیت بیشتری دیدگاه دوسویه و تعامل رفتار والد-کودک در شیوه‌های فرزندپروری توجه بیشتری گردد. در این باره لازم است در تحقیقات آتی به پرسی و سنگش سبک‌های فرزندپروری نه تنها از دید والدین، بلکه از دید و تصویر فرزندان نیز پرداخته شود (جدول‌های ۲ و ۳).

۲- با توجه به پایه‌های این تحقیق که شیوه فرزندپروری اداره شده ادراک شده انتقالی در شکل گیری مکان کنترل درونی و خودیدن‌نارضایتی و قدیمی شده سبزایی دارد و از طرف دیگر شیوه‌های فرزندپروری اداره از اداره استیادی آزادگذاری باین مناپورا با آستانه‌ی رابطه منفی و معناوی دارند، لذا به والدین توصیه می‌شود در نظر گرفت اداره و فهم فرزندان خودی‌شوش از سبک‌های والدینی با اعمال شیوه‌ی تربیتی انتقالی منفی‌شتهای ایجاد مکان کنترل درونی و خودیدن‌نارضایتی و قدرت در فرهنگ‌های نماینده (جدول‌های ۴، ۵، ۶ و ۷).
منابع

اصفندیاری، غلام‌رضا. (۱۳۷۴). داروسی و مقایسه شیوه‌های فزندپوری مادر و فزندپوری بچه‌های مبتلا به اختلالات رفتاری و مادران کودکان بیمار و تأثیر آموزش مادران بر اختلالات رفتاری فزندان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، نشر روانپزشکی تهران.

بال، سامیه. (۱۳۹۴). نگرش و رفتار دانشجویان در آموزش و پرورش، ترجمه و تصحیح تهیه شده در سال معدود. (۱۳۷۳)، شیراز، مرکز نشر دانشگاه شیراز.

بروندینی، مسعود. (۱۳۷۳). نگرش و رفتار دانشجویان در آموزش و پرورش، ترجمه و تصحیح تهیه شده در سال معدود. (۱۳۷۳)، شیراز، مرکز نشر دانشگاه شیراز.

خادم‌العاده، ملیحه‌سادات. (۱۳۷۲). نگرش و رفتار دانشجویان در آموزش و پرورش، ترجمه و تصحیح تهیه شده در سال معدود. (۱۳۷۳)، شیراز، مرکز نشر دانشگاه شیراز.


رضایت‌افسانه، حمیدرضا. (۱۳۷۲). نگرش و رفتار دانشجویان در آموزش و پرورش، ترجمه و تصحیح تهیه شده در سال معدود. (۱۳۷۳)، شیراز، مرکز نشر دانشگاه شیراز.

رفیع‌پور، فرامرز. (۱۳۷۲). کنگره و پنداشته‌ها، تهران، شرکت سهامی انتشارات، سرده، زهره، عباس‌یزدانی و انگیزه حجازی. (۱۳۷۸)، روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران، انتشارات آگاه.

شاملو، سعید. (۱۳۷۴)، پنداشته‌های، انتشارات رشد.

فرخیان، محمدتقی. (۱۳۷۸)، فراوان‌شناختی شخصیت: نظریه، تحقیق، کاربرد، تهران، دانشگاه تربیت معلم.

کریمی، يوسف. (۱۳۷۸)، فراوان‌شناختی شخصیت، چاپ چهارم، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.
مهرافروز، حجت الله (۱۳۷۸)، بررسی رابطه بين تكرش نسبت به شيوعهاي فرزندپوري مادر (افتدار منطقی، استبدادي و آرادگذاري) با مكان كنترل و پيشرفت تحصيلى در دانشجواران پسر بانی چهارم ابتدایي، پایاننامه كارشناسي ارشد، دانشگاه تربيت معلم تهران، دانشگاه علوم تربيتی.

نادری، عزت الله و مریم سیف نراقی (۱۳۷۵)، روش های تحقیق و چگونگی ارزیابی آن در علوم انسانی، تهران، انتشارات بدر.


among brazilian teenagers from authoritative, indulgent, authoritarian and neglectful homes. *adolescence*, 43 (169).


